

تحولات اقتصادی (ارضی) دوره ی آق قویونلو (۸۵۷-۹۰۸ ق.)

رضا طاهرخانی

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

reza.Dr.taherkhani@gmail.com

محمد سپهری

استاد گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (عهده دار مکاتبات)

sepehran55@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱ تاریخ پذیرش ۹۷/۴/۲۰

چکیده

به رغم اهمیت تحولات سیاسی و فرهنگی ایران در دوره فرمانروایی آق قویونلوها در نیمه دوم سده ۹ ق، تحولات اقتصادی این دوره نیز حائز اهمیت بسیار است. سیاست های اقتصادی این دوره عمدتاً بر پایه نظام زمینداری و دامپروری بنا شده بود. اوزون حسن بنیانگذار این سلسله، قانون نامه ای تدوین کرد که در نوع خود کم نظیر بود؛ بیشتر مطالب این قانون نامه در خصوص میزان و نوع مالیاتی است که کشاورزان و دامپروران کوچ نشین به دولت پرداخت می کردند. اوزون حسن توانست مالیات اراضی را که در سراسر مملکت گرفته می شد یکسان کند و قانون نامه ای را برای تعیین تکلیف شکایت مردم، مرافعات آنان، تعیین تعزیر و جرایم و جز آن نوشت و به سراسر قلمرو خود فرستاد تا بدان عمل کنند. او با این کار بازنگری در مالیات بندی اراضی و اصلاح مباحث مالیاتی را خواستار شد. تا از فشار فزاینده مالیاتی بر توده مردم بکاهد. برخی دیگر از سلاطین آق قویونلو نیز به پیروی از اوزون حسن اقداماتی را در جهت رفع مظالم مالیاتی، حذف مالیات های غیر اسلامی و پیشگیری از هرج و مرج در مالیات گیری انجام دادند. به ویژه سلطان یعقوب که بیشتر اهتمامش را در جهت اصلاحات در حوزه سیورغال ها معطوف داشت. اما رستم بیگ با خط بطلانی بر اصلاحات انجام شده در گذشته، بار دیگر واگذاری در امر سیورغال ها را افزایش داد به گونه ای که هیچ یک از سلاطین آق قویونلو تا آن زمان به اندازه او سیورغال واگذار نکرده بودند. احمد پادشاه نیز تحت تأثیر عثمانی ها، اصلاحاتی را در جهت حذف مالیات های غیر شرعی و کاهش نفوذ زمینداران انجام داد. حال پرسش اصلی این پژوهش آن است: تحولات اقتصادی دوره آق قویونلو کدامند؟ به نظر می رسد این پژوهش توانسته، تحولات و اصلاحات اقتصادی دوره آق قویونلو را تبیین کند.

کلید واژگان: آق قویونلو، تحولات اقتصادی، اوزون حسن، سلطان یعقوب، رستم بیگ، احمد پادشاه

۱- وضعیت تاریخی ایران در سده ۹ ق.

در اواخر حکومت ایلخانان در ایران طی لشکرکشیهای مغول، عده‌ای از ترکمانان، مسکن اولیه خود را ترک و رهسپار آسیای غربی شدند و در شمال بین‌النهرین سکونت اختیار کردند و به تدریج صاحب قدرت و اعتبار شدند. از معروفترین این طوایف، ترکمانان آق قویونلو می باشند که در ناحیه دیاربکر ساکن شدند. این سلسله به دست بهاءالدین قراعثمان (۸۳۸ ق) از طایفه بایندر که از جانب امیر تیمور به حکومت دیاربکر نیز منصوب شده بود، در قرن هشتم تأسیس و تا سال ۹۰۸ ق. دوام آورد. نیرومندترین جانشین قراعثمان، حسن بیگ (۸۸۲-۸۵۷ ق) ملقب به اوزون (دراز) است که حکومت مقتدری تشکیل داد. اوزون حسن پس از تسلط بر رقبای خود بر سرتاسر ایران دست یافت و پایتخت خود را شهر تبریز انتخاب کرد. آق قویونلوها توانستند در میان کشورهای آن روزگار اروپا شهرت و اعتباری کسب نمایند چنان که عده‌ای از دولت‌های اروپایی اقدام به اعزام سفیر به دربار آنها نمودند. پس از مرگ اوزون حسن، یعقوب آق قویونلو در سال ۸۸۳ ق. پس از پیروزی بر برادرش خلیل در تبریز بر تخت سلطنت نشست و در سال ۸۹۶ ق. در ۲۸ سالگی از دنیا رفت اما بعد از یعقوب، روز به روز بر ضعف آق قویونلوها افزوده شد و شاه اسماعیل صفوی با استفاده از این موقعیت، سرزمینهای تحت سیطره آق قویونلوها به انضمام خراسان را تصرف و زمینه ایجاد سرزمینی متحد بر مبنای مذهب مشترک را فراهم کرد.

۲. اوزون حسن (۸۸۲-۸۵۷ ق)

وی بنیانگذار واقعی و سلطان نیرومند آق قویونلو است. او توانست آق قویونلوها را از یک دولت کوچک وابسته به یک قدرت منطقه‌ای به دولتی با اقتدار تبدیل کند به نحوی که اروپاییان را واداشت تا با او بر ضد امپراتوری عثمانی متحد شوند. «اوزون حسن در سال ۸۷۲ ق. به آسانی توانست بر جهان‌شاه قراقویونلو چیره شود و سال بعد ابوسعید تیموری را

که شتابزده به قصد تملک سرزمین قراقویونلو به عراق و آذربایجان آمده بود، در کنار رود ارس درهم شکست.» (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۵۹-۳۵۸) و سلطان تیموری را با دو پسرش محمد میرزا و شاهرخ میرزا گرفتار کرد. (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۰) و بدینسان تمام قلمرو قراقویونلوها و بخش مهمی از سرزمین تیموریان، از بغداد تا خراسان و از آذربایجان تا کردستان به دست اوزون حسن افتاد. (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۲۹؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۱۹) اوزون حسن این دو پیروزی را به مدد بخت سازگار، و نه با قدرت نظامی برتر مغلوب ساخت. (کتتارینی، ۱۳۸۱، ۱۹۴) او در سال ۸۷۵ ق. با عثمانی‌ها روبرو شد. (واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۲۰) نخست اوزون حسن بر نیروهای عثمانی پیروز شد اما در جنگ دوم که دو سال پس از آن در ارزنجان روی داد شکست سختی از سلطان محمد دوم خورد. (طهرانی، ۱۳۵۶، ۵۷۹-۵۷۰؛ روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۷۷۰-۷۶۱) و «پسرش زینل بیگ را نیز در این جنگ از دست داد. ۱۰ هزار نفر از ایرانیان در این جنگ کشته شدند و عده زیادی به اسارت درآمدند.» (آنجوللو، ۱۳۸۱، ۳۱۱) به احتمال بسیار زیاد اگر اوزون حسن در ارزنجان به پیروزی دست می‌یافت سرور آسیا و مصر می‌گردید. (زنو، ۱۳۸۱، ۲۱۵) اوزون حسن پس از این شکست به گرجستان لشکرکشی کرد و در برگشت دچار ضعف شدیدی شد. «او در نهایت پس از تحمل یک دوره بیماری در سال ۸۸۲ ق. در حالی که بیش از ۵۴ سال نداشت، وفات یافت.» (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۸۰۵) او پادشاهی دلاور، نبرده، سخت‌آزاده (زنو، ۱۳۸۱، ۲۲۰) دانا، توانا، صاحب شوکت و رعیت پرور بود؛ با علما و فضلا می‌نشست و در مجلس او تفسیر، حدیث و فقه برپا بود، سادات و مشایخ را بزرگ می‌داشت و مدارس، مساجد و رباط می‌ساخت. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۵۸؛ روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۸۰۵؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۳)

۲-۱. اصلاحات اقتصادی (ارضی) اوزون حسن

نخستین تلاش در جهت رفع پراکندگی و از بین بردن میراث تیموری در بحث مالیات ها از جانب بنیانگذار واقعی سلسلهٔ بایندری ۵، اوزون حسن بوده است. اصول مالیات بندی به قدری بغرنج و مالیات ها به حدی زیاد و گوناگون بود که غالباً اجرای عدالت و جمع آوری مالیات ها با هم تعارض داشت. هر کس به نسبت و نوع کاری که انجام می داد مشمول پرداخت ۱۰ یا ۱۲ گونه مالیات بود، مثلاً در حالی که زمیندار، مالیات ارضی پرداخت می کرد، اگر در زمین خود تاکستان داشت مکلف بود که برای آن مالیاتی جداگانه بپردازد... حتی روسپیان به نسبت سن و زیبایی مشمول تعرفهٔ مالیاتی مخصوص بودند. بعلاوه مالیات خرید طبق تعرفهٔ دیگری بر تمامی کالاهایی که شخص در بازار می خرید، تعلق می گرفت. (طاهری، ۱۳۴۹، ۱۱۴-۱۱۳) اوزون حسن ناکارآمدی نظام مالیاتی که تا عصر خود معمول بود و همچنین سنگینی میزان مالیات ها را تشخیص داده و برای از میان برداشتن رکود اقتصادی کشور خویش، قوانین مالیاتی جدیدی را پایه گذاری کرد و موجب گسترش تجارت در این دوره گردید. (پایدش، ۱۳۹۴، ۹) این نظام مالیاتی نه تنها در رفاه مردم تأثیر داشت، بلکه شرط مهم پیشرفت زندگی اقتصادی نیز بود. با کمک این قانون، موسس آن تأثیر پایداری بر امر اداره و اقتصاد مملکت به جای گذاشت. (رویمر، ۱۳۸۰، ۲۴۵-۲۴۴) اوزون حسن با این کار می خواست ضمن پایان دادن به این بی نظمی ها و جلوگیری از هرج و مرج در امور مالی؛ صاحبان سیورغال ها را که از دریافت کنندگان مالیات از مردم ساکن نواحی تحت اختیارشان بودند، کنترل، و دامنه اختیارات آنها را محدود کند، به همین علت عمده مفاد قانون نامه ها و یا اصلاحات اوزون حسن در خصوص اوضاع مالی بوده است.

وی اصلاحاتی در امر مالیات گیری به عمل آورد و به دنبال آن قوانین مالیاتی جدیدی وضع نمود که به موجب آن میزان مالیات ثابت ارضی تعیین گردید. با این همه در حوزه های مختلف مالیاتی، پرداخت کنندگان نهایی مالیات با هم تفاوت عمده ای داشتند. این اصلاحات

در ادامه برنامه حذف مالیات های غیر اسلامی از جامعه بوده است. تا اینکه فشار مالیاتی بر مردم کاهش یابد و عادلانه باشد. «اما تغییرات در مالیات بیشتر کمی بود تا کیفی و اساسی» (لمبتن، ۱۳۷۷، ۲۰۶-۲۰۵). اوزون حسن می خواست تا نتایج این اصلاحات در حیات اقتصادی جامعه ایران آن روز برای همگان ملموس باشد. هر چند علایم انحطاط اقتصادی حتی در عهد سلطنت حکومت اوزون حسن نیز مشهود بود. زیرا کتتارینی از کمی جمعیت و بایر بودن اراضی روستاهای آذربایجان کنونی و عراق عجم و همچنین گرانی خواروبار و لوازم خانگی با شگفتی یاد می کند. (کتتارینی، ۱۳۸۱، ۱۵۳-۱۵۲، ۱۴۹-۱۴۸).

متأسفانه اسناد اصلی این مقررات مالی از دست رفته است. و دانسته های ما درباره این مقررات مالی که به "قانون نامه" معروف شد، مبتنی به اشاره های اندکی است که گاه مورخان از آن به عنوان "دستور حسن بیگ" یا "قانون حسن پاشاه" یاد کرده اند. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۵۸) قانون نامه اوزون حسن در سال ۸۷۵ ق. و ۸۸۲ ق. در دو نوبت تعیین شد. (بوسه، ۱۳۶۷، ۱۷۴) و در دو مرحله به اجرا گذاشته شد که به دوره نهایی سلطنت او تعلق دارد. مرحله اول، در دوره حکمرانی دیاربکر و مرحله دوم پس از تصرف ایران بود. این دو مرحله در یک روند تکاملی قرار داشت. دوره اول بیشتر تحت رسوم محلی و مرحله دوم تحت تاثیر رسوم ایرانی و اسلامی به صورت یک نظام مالی پیشرفته بود. (دین پرست، حسن زاده، ۱۳۹۲، ۶۱) «موادی از این قانون نامه در سرزمین های دیار بکر، ماردین، ارغنی، رُها، ارزنجان، خرپر، بیره جوک و چرموک از روزگاری که این سرزمین ها، غربی ترین بخش متصرفات اوزون حسن را تشکیل می داده در دست است.» (هیئتس، ۳۴۹، ۱۳۸۰-۳۴۸)

قانون نامه اوزون حسن عمده‌تاً رسوم محلی گوناگون را که بخشی از آنها از روزگاران قدیم باقی مانده بود، تثبیت و تأیید کرده است. و با اصلاحات در آنها و قوانین جدید، قانونی را به وجود آورد... وی مالیات اراضی را که در سراسر مملکت گرفته می شد یکسان کرد و

قانون نامه را برای رسیدگی به شکایات و مرافعات آنان و تعیین تعزیرات و جرایم و جزآن نوشت و به تمامی سرزمین های زیر نظر خود فرستاد تا بدان عمل کنند. (رضازاده، ۱۳۷۴، ۱۰۳-۱۰۲) مالیات ها بسته به مکان، و با توجه به نوع و میزان آن تفاوت های بسیاری داشت. علت این مسأله، سنت های بومی بود که بر اثر گذشت سالیان طولانی از سوی جامعه پذیرفته شده و در این قانون راه یافته بود. (فراگنر، ۱۳۸۷، ۲۵۰) اوزون حسن مالیات زمین را تا $\frac{1}{4}$ محصول کاهش داد. و میزان تمغا را ۵٪ بهای کالا معین کرد. (پطروشفسکی، ایران در سده...، ۱۳۵۹، ۷۳). از دیگر اصلاحات مالی او می توان به دریافت مالیات به میزان $\frac{1}{6}$ و یا خمس از محصولات کشاورزی به جای عشر و سایر مالیات های اضافی دوره های قبل اشاره کرد. (فراگنر، ۱۳۸۷، ۲۵۱) اقدامات اوزون حسن به منظور دگرگون ساختن اصول موجود و جلوگیری از افزایش خودسرانه مالیات، وضع مالیات ها و عوارض جدید انجام پذیرفت. اما آنچه تغییر یافت شاکله و بینادهای آن نبود، بلکه مبالغ مالیات بود.

بر اساس قانون نامه اوزون حسن در سال ۸۷۵ ق. عوارض گمرکی محموله های بازرگانان، برای کالاهای مختلف در مناطق دیاربکر، ارغنی، ماردین، خرپرت، عرب جیر و ارزنجان تعرفه های متفاوتی وجود داشت. علت اختلاف زیاد تعرفه ها، موقعیت سوق الحیشی این شهرها بود، زیرا برخی از آنها در مسیر کاروان ها قرار داشتند و برخی دیگر، دور از مسیر آنها بودند. (هیتس، ۱۳۸۰، ۳۷۴)

از بار کالاهای تجاری که وارد شهرها می شد رسم بواب، حق شحنگی ۷، سهم خزانه دار، مالیات کتابت و مالیات راهداری اخذ می گردید در قانون نامه لواء ماردین آمده است: «از هر بار، یک شاهرخی ۸ مالیات کتابت و یک شاهرخی مالیات راهداری گرفته خواهد شد که هر شاهرخی معادل شش آقچه ۹ عثمانی محاسبه می شود» (Barkan, ۱۹۴۱: ۱۰۱) به نقل از دین پرست، حسن زاده، ۱۳۹۲، ۶۵) از کسبه بازار نیز مالیات گرفته می شد. هر کاسبی که

در بازار (تبریز) دگانی داشت به نسبت کسب و کار خویش روزانه شش آسپر ۱۰ و حتی گاهی یک دوکات ۱۱ مالیات می پرداخت. میزان مالیات بستگی به نوع کسب داشت. حتی زنان روسپی که در اماکن عمومی رفت و آمد می کردند به نسبت زیبایی خود مالیات می پرداختند. تعرفه گمرکی برای تجار مسیحی برای هر کالا از هر جا که وارد کنند، در دوره آق قویونلوها ۱۰٪ و برای تجار مسلمان ۵٪ بوده است (گمنام، ۱۳۸۱، ۴۱۳-۴۱۲)

تعیین مالیات تمغا ۱۲ بر صنف قصابان مشتمل بر اخذ یک آقچه از فروشنده گوسفند (احشام) و یک آقچه از خریدار و دریافت یک قراجه آقچه ۱۳ از دباغ خانه از بابت هر پوست دباغی شده از سایر بخش های این قانون نامه می باشد. از بافندگان پارچه در شهرها در هر ماه چهار آقچه و اگر ساکن روستا بوده در سال یک تنگه مالیات گرفته می شد. (دین پرست، حسن زاده، ۱۳۹۲، ۶۵)

تعیین میزان خسارت وارده بر زمین های کشاورزی از سوی دامپروران از سایر بخش های این قانون نامه می باشد. اوزون حسن بر طبق قوانینی برای صاحبان احشام که دام هایشان به زمین های زراعی کشاورزان خسارت وارد می ساخت، جرایمی تعیین نمود چنان که در بند ۷ قانون نامه ولایت خرپرست آمده است «جرایم حیوانات شامل اسب و گاو که وارد زمین زراعی شده و خسارت وارد نماید از هر گاو و اسب ۵ آقچه عثمانی جریمه اخذ خواهد شد. (Barkan, ۱۹۶۱: ۱۹۲) به نقل از دین پرست، حسن زاده، ۱۳۹۲، ۶۵)

قانون نامه اوزون حسن در جهت بهبود حال رعایای مالیات دهنده وضع شده بود. یکی از اقدامات اوزون حسن در این جهت، تغییر در نوع و زمان دریافت مالیات بوده است با توجه به آن که قبل از اوزون حسن از کشاورزان مالیات به پول نقد دریافت می شد و زمان آن مشخص نبود، او در قانون نامه های خود این روش را که اجحافی در حق کشاورزان بود، تغییر داد و به جای پول نقد، جنس نیز به عنوان مالیات پذیرفته شد. در بند اول قانون نامه

دیاربکر می خوانیم: قبل از این از غلّه رعایا از همان جنس خراج گرفته نمی شد فرمودند که دریافت آنچه نقد ممنوع گردد از گندم خراج گندم و از جو خراج جو و از سایر حبوبات نیز از همان جنس خراج گرفته شود. (Barkan, ۱۹۴۳: ۱۳۱). به نقل از دین پرست، حسن زاده، (۱۳۹۲، ۷۰) زمان دریافت نیز از زمان برداشت محصول چند ماه به تعویق افتاد و اول بهار یا نوروز زمان پرداخت مالیات سال قبل تعیین گردید. (Mehdi ilhan, ۲۰۰۰: ۴-۱)، به نقل از دین پرست، حسن زاده، (۱۳۹۲، ۷۰).

در بند دوم قانون نامه دیاربکر نیز مقرر شده است که «بهره بر اساس دو روش اخذ گردد، رعایا از هر کدام از روشها رضایت داشته باشند بر آن روش مالیات اخذ گردد: یکی آن که همه رعایا محصولات خود را به نزدیک دهکده آورده، در محلی خرمن کنند تا وزن شود. راه دوم این است که ممکن است رعایا از انتقال محصولات خود به نزدیکی دهکده ناتوان باشند در این صورت با برداشت محصول در همان محل بر اساس میزان پنج یک و شش یک خراج اخذ گردد.» برخی از قانون نامه های اوزون حسن در خصوص کاهش میزان مالیات و یا عدم دریافت آن از رعایایی بوده است که در فقر بوده و یا ناتوان از زراعت بوده اند. در بند ۷ قانون نامه ولایت دیاربکر در این باره می خوانیم: «کسی که توان کشت زمین زراعی را داشته باشد اما زمین خود را رها نموده و زمینش بایر بماند، از او خراج چیفت ۱۴ و بهره بایر (بوز بهره) گرفته خواهد شد. آنهایی که در فقر فائقه باشند و یا بر اثر بلایای طبیعی به فردی محتاج تبدیل شده باشند و قادر به پرداخت مالیات نباشند، از این افراد مالیات چیفت و بوز بهره (بهره زمین بایر) گرفته نخواهد شد. بلکه مالیات بناک ۱۵ و ایرغادیه اخذ می گردد.» (دین پرست، حسن زاده، ۱۳۹۲، ۷۱-۷۰)

این قانون نامه پس از آق قویونلوها در آناتولی دوره عثمانی و در ایران دوره صفوی تا زمان شاه طهماسب اول حفظ و بدان عمل می شده است. (منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۷۵)

(چارشلی، ۱۳۷۲، ۴۶) (اینالجق، ۱۳۸۸، ۱۲۱) این در حالی است که عثمانی ها سعی کردند تا در ولایات ارزنجان، کماخ و حوالی بایبورد، اصول و مقررات خود را دربارهٔ محصول و تولیدات روستاها، به اجرا درآورند. (چارشلی، ۱۳۷۲، ۴۹)

اهمیت این قانون نامه وقتی مشخص می شود که بدانیم در آن روزگار، قانونی مدون در خصوص بازرگاری و اصلاح مباحث مالیاتی تدوین نشده بود. و اوزون حسن این اصلاحات اقتصادی را به شکل قانون نامه ای درآورد و به سراسر قلمرو خود فرستاد. او به مسایل اقتصادی مردم که موجب آرامش و ثبات حکومت وی در سرزمین هایش می شد، توجه داشت؛ زیرا بقایای حکومت های قبلی بالقوه و بالذات بر این مساله استوار بود و می دانست که گسترش رفاه، آسایش و امنیت جامعه به حکومت او رسمیت و اعتبار سیاسی می بخشد و میزان مشروعیت حکومت او را بالا می برد.

۳. سلطان یعقوب (۸۸۳-۸۹۶ ق)

وی در سال ۸۸۳ ق. با کنار زدن و قتل برادرش سلطان خلیل (حک: ۸۸۳-۸۸۲ ق) به پادشاهی رسید. او به شعر و ادب بیش از جنگ و سیاست علاقه داشت. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۶۳) حوزه حکمرانی او در این زمان، شامل آذربایجان، فارس، دیاربکر، عراق عجم و عراق عرب بود. (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۸۸۱) دورهٔ سلطان یعقوب با مخالفت ها و شورش های کوچک و بزرگ سپری شد که هر کدام به علل مختلف به وقوع می پیوستند. از جملهٔ این شورش ها، طغیان شیخ حیدر در سال ۸۹۳ ق. بود. «حیدر در جنگ با سلطان یعقوب دلیرانه جنگید و بسیاری از سپاه شروان و تراکمهٔ آذربایجان را کشت.» (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۳۴) اما در اثنای جنگ به ضرب تیری کشته شد. (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۶۲) یعقوب با روحیهٔ صلح طلبی که داشت از درگیری با همسایگان خود دوری می کرد تا از این طریق با آرامش بدست آمده به مسایل داخلی حکومتش پردازد.

سلطان یعقوب در زمستان ۸۹۶ ق. زمانی که در باغ اران در قشلاق بسر می برد، بیمار گشت و در سن ۲۸ سالگی از دنیا رفت. (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۳۶؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۴) مدت سلطنتش ۱۲ سال و ۲ ماه بود. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۶۵)

۱-۳. اصلاحات اقتصادی (ارضی) دوره سلطان یعقوب

سلطان یعقوب در سال ۸۹۴ ق. بر آن شد تا در خصوص رفع مظالم مالیاتی، به ویژه در حوزه سیورغال‌ها اصلاحاتی را انجام دهد. او می خواست نظم نوینی را بنیاد کند که هرج و مرج مالیاتی و باقیمانده یاسای چنگیزی و تیموری را از ایران براندازد و در سراسر عراق و فارس هر نوع سیورغالی که به امیران و مقربان بخشیده شده یا می شد، از بین برود. و عدالت بی سابقه ای را برای توده رنجبران ایران تضمین کند. چنانچه خنجی به آن اشاره دارد: «... جمیع امور ملک که از مبادی خروج چنگیز الی الیوم از وفور تعدیات قوم مختل گشته و صاف زلال احکام ایمان به خدشه کدورات یاسای چنگیزخانی آغشته؛ ... می خواست که مطلقاً بر نسق شریعت غراً و نهج ملت زهرا دایر باشد...». (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۴۰)

یعقوب برای این کار بزرگ قاضی عیسی ساوجی را با اعتقادات سخت مذهبی، (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۳۹) و در مقام صدر دربار، (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۳۱) بر آن داشت تا این مهم را به انجام برساند. «ساوجی چنین طرحی را هم برای تأمین حقوق لشکریان لازم می دانست و هم اعتقاد داشت که احقاق حق مظلومان از این راه میسر می شود زیرا امیران و سرکردگان ارتش به میل خود مالیات هایی را از رعایا می ستاندند و به خزانه عمومی نمی دادند.» در نتیجه قاضی ساوجی نقشه ای طرح کرد که سیورغال های سابق بزرگان لشکری و روحانی لغو شود و در عین حال دستور داد ثبت اراضی، ترتیب و تنظیم دفترهای جزء جمع و مجدداً به عمل آید تا از روی آن میزان مالیات ها از نو مشخص گردد. قاضی ساوجی

می خواست تا وضع توده های مردم ستم دیده ای را که سال های متمادی زیر فشار مالیاتی و نظامی قدرتمند زیاده خواه سیورغالداران و همدستان دیوانی آنها بود، بهبود بخشد.

قاضی ساوجی برای اجرای اصلاحات نزد شرف الدین محمود دیلمی^{۱۶}، وزیر دیوان یعقوب رفت تا او را نیز در این مهم با خود همراه کند. اما شرف الدین محمود تلاش کرد تا قاضی ساوجی را از اجرای این برنامه منصرف کند. زیرا به خوبی می دانست که با اجرای این قانون، بسیاری از افراد صاحب نفوذ که کسانی جز امرای سیاسی، نظامی و مذهبی صاحب سیورغال ها نبودند، با آنها دشمنی خواهند کرد. او معتقد بود: «فساد زمانه از این بیش است که به این تدبیرات صلاح پذیر شود...». (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۴۵) این پاسخ نشان می دهد ظلم و ستمی که از طریق اجرای سیاست های غلط مالیاتی در دوران پیش از اصلاحات در دوران پیش از اصلاحات بر مردم وارد می شده، کم نبوده است.

باری، با پافشاری قاضی ساوجی بر خواسته خود، سرانجام شرف الدین دیلمی به ناچار با درخواست او موافقت نمود. (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۴۵-۳۴۳) پس از آن، قاضی ساوجی از سلطان یعقوب خواست تا برادرش علامه امام الدین قاضی شیخ علی را به عنوان فرد معتمد و قائم مقام او برای اجرای برنامه اش در خصوص سیورغال ها، در عراق و فارس منصوب کند. (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۴۷-۳۴۶) یعقوب نیز با خواسته قاضی ساوجی موافقت نمود و فرمانی مبنی بر آن صادر کرد: «... سایر حکام و داروغگان ممالک عراق و فارس به نصب قاضی شیخ علی منصوب و به عزل او معزول باشند... حکم او حکم ماست و سخن او سخن ما». (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۴۷)

سپس یعقوب فرمانی دیگر صادر نمود و فرستادگانش را برای رساندن فرمانش به تمامی نواحی عراق و فارس، راهی نمود. مبنی بر این «که جمیع سیورغالات حَسوی و خرچی در آن ممالک موقوف باشد و کسی را فلسی (مبلغ اندک) ندهد، تا امنای دیوان هر

مرز و ساحت را حرز (اندازه گرفتن) و مساحت کنند.» و بر اساس آن، مقدار مالیات تعیین شود. (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۴۷) قرار بر این شد تا همه چیز از نو ارزیابی و مالیات بندی گردد و در سراسر عراق و فارس سیورغال های خشوی و خرچی یعنی دوگونه زمین هایی که پادشاهان گذشته به امیران، مقربان و خدمتگزاران به عنوان پاداش خدمت یا مستمری و مانند آن بخشیده بودند، از بین برود و مادام که املاک از نو اندازه گیری و معین نگردیده است؛ بازرسان مالیاتی از این گونه زمینداران چیزی مطالبه نکنند و نستانند.

اصلاحات اقتصادی دوره یعقوب را می توان در برقراری قوانین مالیاتی بر اساس شرع اسلام، بازگرداندن رعایا بر سر زمین های خود، جبران درآمد و عواید عمومی، بدست آوردن هزینه های نگهداری ارتش، تجدید نظر در خراج ها و دریافت عادلانه آن بر اساس قوانین شرع خلاصه کرد. چنانچه خنجی نیز به آن اشاره دارد: « لاجرم متعین است که... جهت تجدید قوانین خراج و ضبط جهات مالی و تمییز حقوق مال المصالح از اموال رعایا و رعایت قواعد عدل و سویت در جمهور امور متعلقه به ابواب المال، تا به یمن اهتمام شما استخراج خراج در سایر ممالک مأمونه الفجاج بر وجهی نموده شود که مطابق قوانین شرع مبین باشد. و چون اموال خراج مهیا باشد، هر آینه نزد حدود نوایب جیوش منصوره اسلام را که سیوف قاطعه رقاب کفره لئامند، از فقدان اُهبت و ابهت کلالی روی ننماید و مباسم ثغور از ظهور بروق سیف و سنان غزات در تبسم آید... جمع خراج واجب موجب فراغ از خرچ مال آن اجانب شود.» (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۴۴)

این اصلاحات مخالفان زیادی داشت زیرا با این کار، بیشترین ضرر، زیان و ستم متوجه علمای بزرگ می شد که از این سیورغال ها برای امور مذهبی خود استفاده می کردند. چون این علما، قبل از اینکه درآمد سیورغال ها به دستشان برسد، بابت آن قرض کرده و اکنون در انتظار رسیدن درآمدها بودند تا ادای دین نمایند. به اعتقاد خنجی که خود نیز از

قشر صاحبان سیورغال بود، این کار، در کل خلاف شرع است. (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۴۸) از سوی دیگر امرای نظامی که با انجام اصلاحات منافع خود را از دست می دادند، به مخالفت برخاستند و این گونه، شکافی بین هواداران و مجریان اصلاحات، با مخالفان آن ایجاد شد. اما این مخالفت ها هم نتوانست جلوی اصلاحات را بگیرد. و اوایل سال ۸۹۴ ق. خیر مقررات جدید در سراسر عراق و فارس اعلام گردید. قاضی شیخ علی و محمود دیلمی برای تعیین مساحت دوباره زمین های سیورغال، راهی فارس و عراق شدند. (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۳۵) (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۸۷۶)

در اندک زمانی هیأت اعزامی اعم از مأموران حکومتی به اتفاق یک نفر قاضی شرع و یک نفر حسابدار در هر بلوکی به ارزیابی زمین ها، محصول و دام ها مشغول و در عراق و فارس پراکنده شدند. چنان در کارشان جدیت و سخت گیری های بی اندازه داشتند که به گفته خنجی: «... در حرز و مساحت استقصا و مبالغه به مرتبه ای رسانیدند که اگر عکس سنبله بر زمین دیدندی، فی الحال رقم خرمنی بر او کشیدندی و اگر پرتو دانه ای از خوشه ثریا یافتندی، از او مزروعی همچو مزرع سبز فلک شکافتندی... و هر زمین شوره بوم که همچو کف دستِ بخیلانِ میسوم استحاله روییدن گیاه در او معلوم بود، به دست تعدی مساح سپردندی... چنانچه هیچ مرکوب نماند که نامش به دفتر نرفت، تا بغایتی که گاو زمین از حدّ عدّ و احصا به در نرفت. اگر میسر شدی فلک را به حمایلِ جوزا سوگند دادندی که از جنس حمل و ثور و جدی چیزی مخفی ندارد.» (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۵۰)

وسعت زمین های مصادره ای از سیورغالها برای دولت بسیار زیاد بوده است چنانچه خنجی به قسمتی از آن اشاره دارد: که در یک ولایت از ولایات عراق که به ولایت بُشری و فراهان مشهور است، در مدت بیست روز که زمان اقامت قاضی شیخ علی و همراهانش بوده، چندان زمین در تصرف او درآمد که اگر می خواستند در آن کشاورزی کنند، باید از صد

جفت گاو استفاده می کردند. (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۸۲) همچنین هیچ یک از مأموران به قبول پول های نقد و قماش هایی که به عنوان رشوه از طرف صاحبان سیورغال داده می شد، حاضر نگردیدند. (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۵۳)

عملکرد مأموران در فارس سبب نارضایتی مردم شد و باعث گردید تا آنها نزد علما و ائمه جماعت شکایت برند. و با متوسل شدن به آنها سعی در کم رنگ کردن اصلاحات نمایند. علمای فارس نیز هر یک جداگانه در اعتراض به اقدامات شیخ علی و توییح و گاه نصیحت او و همچنین بیدادگری های عمال مالیاتی، نامه ای به قاضی ساوجی نوشتند. از جمله این علما، جلال الدین محمد دوانی بود. (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۵۱-۳۵۰) مبنی بر اینکه: «این عزیز (شیخ علی) که به امر شریف شما در عراق و فارس، مالک و به تربیت قاضی عادل ناصب و عازل حکام ممالک است، کار اهل جهان را به اضطرار انجامیده و صالحان جهان را به جان و جان صالحان را به جنان رسانیده است.» (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۷۵) اینگونه اعتراضات که بیشتر از سوی امرای نظامی مورد حمایت قرار می گرفت تلاشی بود در جهت پررنگ کردن بیدادگری های کارگزاران دولتی و مأموران مالیاتی و همچنین گامی برای متوقف نمودن اصلاحات به شمار می رفت. اما این اعتراضات تأثیری در تغییر نظر قاضی ساوجی نسبت به اقدامات شیخ علی نداشت و او همچنان وظیفه خود را انجام می داد. «و اعتقاد و ارادت قاضی به حقایق خواه شیخ علی نه چنان راسخ که به عواصف این نصایح متزلزل گردد.» (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۵۱)

۲-۳. علل شکست اصلاحات

بدیهی است که غیرممکن بود تحولی به این بزرگی با دشمنی و نارضایتی طبقه سیورغال داران مواجه نشود، و یا برای استقرار عدالتی کلی، پاره ای بی عدالتی های جزئی روی ندهد. به زعم این گله ها و ناراحتی ها طبعاً سودی که از اصلاحات ارضی و لغو مالیات

های عمومی عاید قاطبهٔ مردم به ویژه رنجبران و مستمندان می شد انکار کردنی نبود؛ اما در عمل این طرح اصولی با منافع نیرومندترین عناصر طبقهٔ زمیندار تضاد داشت. و به جایگاه درباریان لطمه زد. و شکافی در بین عمال حکومتی و کارگزاران دولتی ایجاد کرد و دو گروه طرفداران اصلاحات و مجریان آنها را در برابر مخالفان اصلاحات که امرای نظامی و علمای مذهبی بودند، قرار داد و برخی از آنان را به دشمنی با سلطان یعقوب و وزیرانش برانگیخت. قاضی ساوجی نیز موازین و ضابطه های خود را در اجرای قانون اصلاحات در درجهٔ اول برضد صاحبان سیورغال های کوچک و متوسطی قرار داد که قدرت کمتری داشتند و به تعهدات خدمات نظامی خود نیز عمل نکرده بودند، وی آشکارا دریافت که درافتادن با امیران بزرگ برایش خطرناک است و همین اقدام سبب شد تا این بینش به وجود آید که سلطان با عدالت رفتار نمی کند. خنجی اظهار می دارد مأمورینی که به عراق عجم رفته بودند، نمی توانستند از اربابان چیزی طلب کنند، پس فشار را بر مردم می آوردند و به قول او «چند دیناری که ممکن الوصول است، خرده ریزهٔ رزق علمای کبار و مشایخ زاویه دار و غرغشه های انجو و مجهول المالک خواهد بود و این ضعیفان چون از اعانهٔ پادشاه قانط باشند، به اغاثهٔ حضرت اله مستظهر خواهند شد و به نفرین خونبار - نعوذُ بالله - از این دولت دمار بر خواهند آورد.» (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۹۱) و همین تبعیضی که از سوی مأموران دولتی، نسبت به امرای بزرگ، در مقایسه با علما یا، مردم دیگر اعمال می شده است یکی از دلایل مهم نارضایتی ها بوده است. «از سوی دیگر، علمای مذهبی نیز که از نظر آنها، این اقدامات دولت به نوعی خلاف دین محسوب می شد، در مقابل او قرار گرفتند.» (فراگتر، ۱۳۸۷، ۲۲۵) از طرفی سخت گیری و فشار از سوی مأموران دولتی و قاضی شیخ علی، این نارضایتی ها را تشدید می کرد. در این باره خنجی به قاضی ساوجی انتقاد کرده و می نویسد: کسی را که او به دستور خود به عراق و فارس فرستاده، مردم را به ستوه آورده و چون او فرمان پادشاه

دارد، کسی نمی تواند به دربار شکایت کند، و اگر «هزار خار در جگر یابد به ناخن تدبیر پشت پای خود نخارد و اگر احیاناً کسی که بی طاقتی به اعتماد دیوان اعلی اظهار استظهار نمود... ایشان را محاکمه می فرمایند.» (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۷۶) عدم تأثیر جدی برنامه های اصلاحی دولت در جهت بهبود وضع اقتصادی مردم؛ سیاست های اصلاحی که می بایست نقش مؤثر و مثبتی برای کشاورزان داشته باشد، سبب شد تا دامنه اعتراضات روز به روز گسترده تر شود.

سرانجام نارضایتی و شکایات علما، امرا و مردم از اصلاحات که با منافع آنها مغایرت داشت و همچنین درگذشت ناگهانی سلطان یعقوب باعث شد تا با نظام نوین زمینداری به مخالفت بپردازند و نزدیک به یک ماه پس از مرگ یعقوب در سال ۸۹۶ ق. شیخ علی را که هنوز برای مأموریت خود در شیراز بود، بلافاصله به حکم منصور پُرناک - حکمران شیراز - به زندان بیندازند. «و او رنجها دید و بندها کشید و خان و مان به دست غارت و تاراج داد و به لب نانی که بدان معیشت و زندگانی کند، محتاج شد و آخر در تبریز به شکنجه های خونریز مبتلا یافت.» و سرانجام کشته شد. (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۵۶؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۸۵) پس از شیخ علی نوبت قاضی ساوجی رسید که دشمنی قوی چون خلیل بیگ موصول را در مقابل خود داشت. خلیل لَله بایسنقر، ولیعهد آماده جلوس بر تخت بود. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۶۶) دشمنی دیرینه خلیل بیگ با قاضی ساوجی در اثر یک مباحثه مذهبی و به درازا کشیدن آن بین این دو، و آنگاه عزل خلیل بیگ و فرستادن او به گرجستان صورت گرفته بود. (منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۸۴) و عاملی شد تا با تحریکات خلیل بیگ که کینه او را به دل داشت؛ نخست قاضی ساوجی را در قراباغ گرفتار کردند، سپس در مجلس سران، امرا و علمای متحد او را، مورد بازخواست قرار دادند. اگرچه او در این مجلس از خود دفاع کرد، اما سرانجام با فتوایی که علما بر ضدش صادر کردند، به اتهام زندقه، محکوم به اعدام شد.

(خنجی، ۱۳۸۲، ۳۵۶-۳۵۵؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۴؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۸۵) این نوع خصومت‌ها نشان می‌دهد که در دستگاه حکومتی، جبهه بندی‌های شدید سیاسی و اختلاف میان امرای آق‌قویونلو به شکل گسترده‌ای وجود داشته است.

در نتیجه طرح اصلاحاتی سلطان یعقوب با وجود منافی که در محدود کردن قدرت زیاد امرای سیاسی و نظامی داشت؛ و می‌توانست به دولت مرکزی نیز اقتدار لازم را هدیه کند. اما آماده نبودن بسترهای سیاسی و اجتماعی لازم باعث شد تا اندکی پس از اجرای مقدمات این برنامه و با درگذشت نابهنگام یعقوب، اصلاحات با شکست مواجه شود. از سوی دیگر برای مردم نیز تاثیرات اصلاحات اقتصادی در جهت بهبود وضع مالی آنها ملموس نبود و چون از اثرات مثبت آن برخوردار نمی‌شدند به مخالفت با آن می‌پرداختند.

سلطان یعقوب علاوه بر اصلاحات در زمینه سیورغال‌ها، از میزان مالیات‌ها نیز کاست یا حتی در برخی موارد، مالیات‌های معوقه را بخشید. برای نمونه می‌توان از مالیات فارس یاد کرد که در دوره سلطان خلیل، ۵۰۰۰ تومان تعیین شده بود. (خنجی، ۱۳۸۲، ۱۲۲). اما در دوره یعقوب، مبلغ ۴۰۰۰ تومان توسط مأموران مالیاتی از این ایالت جمع‌آوری شده که از میزان تعیین شده قبلی کمتر بود. خنجی در این باره آورده: «... یکی از وزرا بر حُسن اعمال جماعتی که در فارس تحصیل وز و وبال می‌نمودند، آفرین می‌کرد و بر کفایت وافر ایشان بر سبیل خوش آمد تحسینی می‌نمود و می‌گفت چهار هزار تومان ماحضر ابواب تقبّلات و مختصر مطوّلات است که حالی جهت خزینه حاصل شده و به برات داران دیوان اعلی واصل گشته است». (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۷۱). بخشش دیگر مالیاتی یعقوب در آغاز حکومتش و پس از تکیه زدن بر اریکه قدرت، بخشیدن مالیات بخش‌های مختلف کشور بود. به گفته خنجی جمع کل این مالیات‌ها که در دوره‌های گذشته و به ویژه در دوران زمامداری قراقویونلوها کمرشکن شده بود و طبق برآورد مستوفیان دیوان عالی، جمع آن

نزدیک به ۷۰ هزار تومان می رسید، به دستور یعقوب، بیکباره به مردم بخشیده شد. (خنجی، ۱۳۸۲، ۱۶۹)

در زمان سلطان یعقوب خراجات نیز مسدود شد و مالیات متروک گردید و به غیر از مال راستی (مطابق با شرع اسلام) مالیاتی مطالبه نگردید. (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۸۸۱)

۴. رستم بیگ (۸۹۷-۹۰۲ ق)

رستم بیگ فرزند مقصود بیگ، نوه اوزون حسن بود و توسط صوفی خلیل موصلو مربی و لئه بایسنقر (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۳۶) در قلعه النجق زندانی بود. او سپس توسط ابراهیم بیگ فرزند دانا خلیل معروف به آیه سلطان از قلعه بیرون آورده شد. بایسنقر با دریافت این خبر نزد جد مادریش به شروان گریخت. (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۵) نهایتاً در اوایل ذی القعدة ۸۹۸ ق. در حدود گنجه و بردع میان رستم بیگ و بایسنقر میرزا جنگ شد و بایسنقر کشته شد. (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۵) وی پس از شکست دادن بایسنقر میرزا در سال ۸۹۷ ق. به تبریز آمد و بر تخت نشست. (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۵؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۹۳) او بخشنده و کریم طبع بود. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۶۸) و در حدود ۶ سال سلطنت کرد. (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۴۲)

۴-۱. اصلاحات اقتصادی (ارضی) دوره رستم بیگ

وی به منظور فائق آمدن بر مشکلات داخلی با واگذاری اختیارات بیشتر به سیورغالداران و امرای نظامی، «حکومتش را پنج سال و نیم تداوم داد.» (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۲۰) و اهمیت سیورغال را پس از تلاش بی فایده یعقوب آق قویونلو در زمینه اصلاحات اقتصادی به سرعت بالا برد؛ تا آنجا که رستم آق قویونلو (۸۹۷/۹۰۲ ق) نسبت به سلاطین

پیشین، سیورغال‌های بیشتری واگذار کرد. به گونه‌ای که هیچ‌یک از سلاطین آق‌قویونلو و قراقویونلو تا آن زمان به اندازه او سیورغال واگذار نکرده بودند. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۶۸؛ روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۱۹-۹۲۰؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۸۵؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۲۷) برای نمونه می‌توان به فرمانی که از رستم بیگ در سال ۹۰۲ ق. در قرار دادن مبلغ سه هزار دینار تبریزی بابت سیورغال سید شمس‌الدین محمد فریز هندی نظنزی باقی مانده اشاره کرد. (مدرسی طباطبائی، ۱۳۵۵، ۱۰۶) دوران رستم بیگ را باید دوران بازگشت به اصول و سنت‌های پیشین ترکمانان آق‌قویونلو دانست، او با واگذاری اختیارات بیشتر به سیورغالداران و امرای نظامی، گام‌های مهمی در جهت رفع آثار اصلاحات دوره یعقوب برداشت. و همین سیاست عاملی بود تا حکومت وی نزدیک به ۶ سال دوام بیاورد. (حسن زاده، ۱۳۹۲، ۱۳۳)

۵. احمد پادشاه (۹۰۲-۹۰۳ ق)

او فرزند اغورلومحمد نواده اوزون حسن بود. و بعد از قتل رستم بیگ بر تخت نشست. احمد، پادشاهی رعیت پرور بود و علما و فضلا را بزرگ می‌داشت. در مجلس وی گفتگوهای علمی زیادی برپا می‌شد. خود او نیز در این مجالس شرکت می‌کرد. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۷۲-۳۷۱)

اغورلومحمد فرزند اوزون حسن، زمانی که برضد پدرش عصیان نمود از قراباغ گریخت و به روم پناه برد، سلطان محمد فاتح به گرمی از او استقبال کرد. و چون آثار شجاعت و شهریاری را در او دید، و یکی از دخترانش را به عقد وی درآورد. (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۴۲) و گوده احمد ۱۸ حاصل ازدواج اغورلومحمد و دختر سلطان محمد است که در آنجا زاده شد. (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۳) احمد پادشاه چند سال در آنجا ماند تا اینکه با دیدن اوضاع نابسانان ایران و کشمکش‌های درون‌خاندانی، در سال ۹۰۲ ق. هوس

تسخیر ممالک موروثی خود کرد. با سپاهی از مردم روم و تراکمه به طرف آذربایجان حرکت کرد. رستم بیگ با دریافت این خبر خود را به کنار رود ارس رساند اما پیش از آنکه جنگی صورت بگیرد، امرای عراق و آذربایجان به رستم بیگ پشت کردند و ناگاه او را دستگیر و نزد احمد پادشاه بردند، احمد نیز در کنار رود ارس او را کشت. (۹۰۲ ق) و بر تخت نشست. (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۴۳-۴۴۲) اما چیزی از دوره پادشاهیش نگذشته بود که در سال ۹۰۳ ق. در منطقه "حسن ماضی" در نبرد با مخالفان اصلاحات به قتل رسید. مدت حکومت او یکسال بود. (منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۹۶)

۱-۵. اصلاحات اقتصادی (ارضی) دوره احمد پادشاه

وی تحت تأثیر اصلاحات همه جانبه عثمانی ها که در دوران سلطان محمد فاتح صورت پذیرفته بود، قرار گرفت و در صدد اجرای برنامه های اصلاحی جدید مبتنی بر قانونی مدون برآمد. منابع تاریخی تصویر روشنی درباره خط مشی اجتماعی و سیاست داخلی احمد آق قویونلو به دست می دهند. «احمد (گوده احمد) پادشاهی رعیت پرور بود و در دوره او دریافت مالیات متروک شد به نوعی که هیچ کس را یارای آن نبود که برگ گاهی به غیر حق از رعیت بگیرد. او همچنین نوشیدن شراب را ممنوع کرد و حتی امرای خود را از شربخواری بازداشت.» (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۶۸؛ روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۲۵) و فرمان داد که زیاده از آنچه بحسب شرع شریف متوجه ارباب دهقنت باشد، وزراء دیوانیان یک دینار و یک من بار بر هیچ آفریده حواله ندهند و تمامی طوایف انسانی را از تکالیف دیوانی معاف دانسته و همچنین فرمان داد تا با اخراجات و شلتاقات کسی را نیازارند. (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۴۳) بنابراین احمد پادشاه برای جلب حُسن توجه روستاییان، فقط مالیات ها و عوارضی را محفوظ داشت که با شرع اسلام منطبق بود (خراج، زکات و جزیه) و دیگر عوارض و مالیات ها را که بر گرده روستاییان بار گرانی بود لغو کرد. بر همین اساس احمد پادشاه «فرامین به اکناف بلاد،

انفاذ داشت که مالیات و متوجهات و عوارض املاک دیوانی و اربابی ممالک محروسه را به هر اسم و رسم، زیاده از قانون شریعت غرای محمدی، علی واضعه الصلوه والسلام، حواله ندهند و خلاف کننده در مورد سخط و سیاست باشد و رقم ابطال بر وظائف ارباب سیورغال کشید و نشان معافی و مسلمی اهل عمام را به امضاء نرسانید و این قرداد را سخت محکم داشت.» (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۳۵۸؛ خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۴۳) با این عمل او ۲۰ نوع مالیات غیر شرعی را که از زمان مغولان پا برجا بود از جمله مالیات سرانه، مالیات خانه شمار، اخراجات، بیگاری و ... ملغی شد. چنانکه در فرمان احمد بیگ به سال ۹۰۳ ق. در مورد معافیت مالیاتی خلاف حکم چند خاندان از مردم نظنز به معافیت از این مالیات‌ها اشاره شده است. در این فرمان می‌خوانیم: «حکام و داروغگان و عمال و کلانتران نظنز بدانند... باید که هیچ آفریده‌ای به علت خراجات و خارجیات خلاف حکم از علفه و علوفه و قتلغا و الاغ و الام و بیگار و شکار و طرح و ساوری و عیدی و نوروزی و سلامی و شیلان بها و پیشکش و کلانتری و خرج خورجین و سرشمار و خانه شمار و بدرقه و خانه نزول و سایر تکالیف مشروحه الابواب مزاحم و تعرض نرسانند و رعایت واجب دانند و در خانه های ایشان نزول ننمایند. در این باب تقصیر ننمایند و از شکایت محترز باشند و قدغن لازم دانند و ...» (مدرسی طباطبائی، هفت فرمان دیگر...، ۱۳۳۵، ۱۱۰) وی همچنین قوانین توارث را در نهاد سیورغال تغییر داد. او این کار را با اقتدا به طریقه شیخی که او را نقطه چی اوغلی می‌گفتند به انجام رسانید و در اجرای سیورغالاتی که سلاطین گذشته به امرا بخشیده بودند مضایقه می‌نمود. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۷۲؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۳۲) او هدفش از عدم تأیید

^۱ - شیخ نقطه چی اوغلی از ترک‌های عثمانی بود که همراه احمد پادشاه به ایران آمد؛ احمد پادشاه شدیداً تحت نفوذ کلامی، معنوی و سیاسی شیخ بود. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۷۲؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۹۵؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۳۲)

مقرری سیورغال که از سوی فرمانروایان پیشین تأکید شده بود، ضربه زدن به اشراف ترکمان و کوتاه کردن دست ترکان از سر رعایا بود (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۲۵؛ رضازاده، ۱۳۷۴، ۱۱۵-۱۱۶). او در عدالت یگانه بود، اخراجات حکمی و غیرحکمی را نیز مطلقاً نگرفت. در اندک ایام او مملکت معمور و خلایق مسرور گشتند (منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۹۵).

بزرگترین بزه این پادشاه آن بود که می خواست به روش نیای خویش اوزون حسن، مالیات های سنگین را منسوخ و دست ستمگران را از ستم فرودستان کوتاه سازد. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۷۲؛ روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۲۵) اعتقادش به این امر به گونه ای استوار بود که کندن ریشه ستم را بر سبیل شعاری روی نگین خود نقش کرده بود. نیز به تقلید عمویش سلطان یعقوب، حُکمها و فرمانهایی را که در گذشته برای بخشیدن سیورغالها به بزرگان کشور، سرداران و امیران سپاه صادر شده بود، لغو کرد. (طاهری، ۱۳۴۹، ۱۱۹-۱۲۰) احمد پادشاه با لغو تمام سیورغال هایی که از اسلافش مانده بود، کوشید تا از قدرت و نفوذ زمینداران چادرنشین تُرک که باعث و بانی اصلی از هم پاشیدگی زمینداری بودند، بکاهد. (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۲۵) و در مبارزه بر ضد بزرگان چادرنشین به دسته دیگری از زمینداران، یعنی مأموران کشوری عالی مقام ایرانی تکیه کند. (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴، ۴۴۳) افزون بر این او اکثر صاحبان سیورغال از طبقه مذهبی را از امتیازات گوناگونشان محروم ساخت؛ بخصوص آنانی که از مالیات معاف بودند. بدیهی است که این عمل خشم اشرافیت مقتدر نظامی را بر ضد احمد برانگیخت (فراگنر، ۱۳۸۷، ۲۲۵-۲۲۶).

اقدامات احمد پادشاه زمینداران چادرنشین را خشمگین کرد و باعث شد تا آنها در عراق عجم و فارس علم عصیان برافراشتند. و او را در حالی که ۶ ماه از سلطنتش نگذشته بود، در نزدیکی اصفهان به قتل رساندند. (۹۰۳ ق) بعد از کشتن احمد پادشاه تمام فرامین او بی درنگ از طرف فاتحان لغو شد (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۲۵؛ خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۴۳).

به نظر می‌رسد پرورش یافتن احمد پادشاه در محیط عثمانی و تاثیرپذیری از آن فرهنگ و همچنین عدم آشنایی با ساختارهای اجتماعی ایران، عاملی شد تا او با اقدامات شتابزده، اصلاحات اقتصادی را رقم بزند که نارضایتی صاحبان سیورغال را به همراه داشته باشد و روند اصلاحات را در همان آغاز، با بروز جنگ متوقف نماید.

پس از کشته شدن احمد، حکومت آق قویونلو دچار پریشانی و تشتت شد. با خالی ماندن تخت پادشاهی مدعیان جدیدی از میان فرزندان سلطان یعقوب و برادرش، یوسف میرزا، سر بلند کردند. هواخواهی آیه سلطان از سلطان مراد، پسر یعقوب، ناپایدار بود. در نتیجه مراد به زندان افتاد. و پسران یوسف میرزا، (محمدی میرزا و الوند میرزا) از مدعیان سلطنت گشتند. محمدی میرزا به یزد رفت و حاکم آن دیار مراد بیک بایندری به اتفاق اشرف بیک او را به پادشاهی برداشتند. و الوند میرزا به دیار بکر رفت و قاسم بیک نیز او را به پادشاهی برداشت. (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ۴۴۵-۴۴۴؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۶؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۳۵-۷۳۴) در نتیجه امرای آق قویونلو و طبقه بایندریه سه فرقه شدند و هر فرقه ای به یکی از ایشان پیوستند و با یکدیگر به جنگ و نزاع می‌پرداختند و هر یک در تخریب خانواده خود می‌کوشیدند. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۷۳؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۳۵) محمدی میرزا با نیروهایی که حاکم فیروزکوه در اختیار او نهاده بود بر الوند میرزا غلبه کرد و در ۹۰۴ ق. بر تخت نشست. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۷۵؛ روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۲۸) در سال ۹۰۵ ق کوزل احمد و دیگر برادران آیه سلطان، سلطان مراد را از قلعه روئین دژ بیرون آوردند و نزد قاسم بیک پرناک به شیراز بردند و در آنجا او را بر تخت نشانند. سپس در جنگی که میان محمدی میرزا و سلطان مراد در بیلاق "کنیر النگ" در حوالی اصفهان در گرفت. سلطان مراد بر محمدی میرزا فائق آمد و او را کشت. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۷۶؛ روملو،

۱۳۸۴، ج ۲، ۹۳۳-۹۳۲؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۶؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۹۶؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۳۸-۷۳۷)

ایران در آغاز قرن ۱۰ ق. یک واحد سیاسی یکپارچه نبود. در سال ۹۰۶ ق. متصرفات آق قویونلو میان الوند میرزا و سلطان مراد تقسیم شد. در این سال چند حاکم که هر یک داعیه استقلال داشتند، عملاً مستقل بودند و از سلاطین آق قویونلو فرمانبرداری نمی کردند. (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۷۸) قزلباشان نیز با استفاده از جنگ های خانگی سلاطین آق قویونلو توانستند تا اسماعیل جوان فرزند کوچک شیخ حیدر را که در گیلان پنهان شده بود، به اردبیل بیاورند و در رأس خود قرار دهند. (۹۰۵ ق) او توانست دژ گلستان را باز و شیروان را غارت کند. (۹۰۶ ق) (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۵۴ به بعد) در این میان هرج مرجی که در قلمرو آق قویونلوها حاکم بود نتیجه را به نفع اسماعیل تمام کرد.

تا آنکه شاه اسماعیل در اوایل سال ۹۰۷ ق. در حدود شرور و نخجوان به جنگ الوند میرزا رفت و بر او پیروز گشت. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۷۸؛ روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۷۳ به بعد؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۷-۲۵۶؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۴۲-۷۴۱) شاه اسماعیل یکسال پس از آن، برای دفع سلطان مراد شتافت. دو لشکر در روز دوشنبه ۲۴ ذی الحجه ۹۰۸ ق. در "آلمه قلاغی" همدان با هم برخورد کردند. شاه اسماعیل، مراد را شکست داد و او به طرف قرامان روم شتافت. سلطان مراد تا سال ۹۲۰ ق. آنجا ماند و در این سال که همراه یاوز سلطان سلیم عثمانی به قصد جنگ چالداران رهسپار ایران و برای تصرف دیار بکر آمد؛ توسط نیروهای شاه اسماعیل و به دست دورمش بیگ قورچی باشی شاملو کشته شد و سرش را برای شاه اسماعیل بردند و با مرگ او دولت آق قویونلو به پایان رسید. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۷۹؛ روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ۹۸۱ به بعد؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۷؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۴۲)

نتیجه

اصلاحات اوزون حسن تلاشی بود در راستای زدودن سنن مغولی و تیموری و برقراری قوانین اسلامی- ایرانی؛ البته وجود انواع مالیات های دریافتی از مردم در زمان اوزون حسن خود نشانگر ادامه فشار مالیاتی به کشاورزان می باشد. مقاومت امرای نظامی و علما که در این بین دارای منافع بودند، در برابر اصلاحات سلطان یعقوب و احمد پادشاه نیز موجب ناکام ماندن برنامه های اصلاحی این سلاطین گردید. اما رستم بیگ با بخشیدن سیورغال های بیشتر برای مدتی توانست بر مشکلات داخلی خود فائق آید و بر دوام حکومت خود بیفزاید. بنابراین چالش بین طرفداران نظم مغولی و نظم ایرانی همچنان در دوره آق قویونلو ها باقی ماند هر چند اندک بهبودی در وضع مالی کشاورزان صورت گرفت. در این دوره مخالفت عالمان و امرا با اصلاحات نه از باب مخالفت با ماهیت و شاخصه های نظم ایرانی بود بلکه آنان در دوره گذار از نظم مغولی به منافع رسیده بودند که در صورت برقراری نظم ایرانی منافع خود را از دست می دادند. در این میان هریک از آنها ابزارهای متفاوتی در دفاع از خود نشان می دادند. امیران نظامی با تکیه بر شمشیر و شورش و عالمان دینی به ابزارهای توجیه دینی روی آورده بودند. نهایتاً در دوره آق قویونلو برخی سلاطین تلاش کردند تا مقررات مالیاتی مغولان را که با احکام اسلامی ناسازگاری داشت، اصلاح و یا به طور کلی برخی از قوانین را از میان بردارند و با جایگزین کردن احکام اسلامی به جای آن قوانین، کوششی در جهت اصلاحات اقتصادی به عمل آورند که قرین توفیق نشد.

پی نوشت:

۴. اصطلاح مغولی سیورغال به معنای عفو، هدیه یا بخشش است و گاه اشتقاق آن را از کلمه چینی "نسو" (ts,u) می داند که به معنای نیکوکار و مهربان و اورغا به معنای «خدا رحم کند»، است. (بوسه، ۱۳۶۷، پانویس، ۱۵۹) سیورغال اصلاً به "عمل حمایت" (از سوی سلطان یا حاکم)، "اقطاع" یا "عطیه و هبه" اطلاق می شد، و اصطلاح

"سیورغامیشی"، در زمان ایلخانان نیز بر همین مفهوم عمومی دلالت می‌کرد. (فراگتر، ۱۳۸۷، ۲۲۲) از اقطاع نظامی دوره مغول که در حد و حجم وسیعی بود، در دوره جلایریان، در حوالی قرن ۸ ق. نهاد جدیدی به وجود آمد که «با واگذاری درآمد و یا زمین در قبال مواجب که اغلب نیز با معافیت مالیاتی همراه بود» (لمبتن، ۱۳۸۲، ۱۴۲) این نهاد بر مقطع آنان در اراضی زیر کشت و جمعیت آن قدرت بی سابقه ای بخشید. «در اواخر دوره تیموریان، اگرچه سیورغال در معنی واگذاری زمین یا عواید آن با تیول مترادف بود، ظاهراً در معنی معافیت از مالیات نیز که غالباً ارثی بوده به کار می‌رفته است» (رضازاده، ۱۳۷۴، ۱۰۷)

مفهوم سیورغال معافیت از پرداخت مالیات و عوارض است. معافیتی دائم و موروثی که ناحیه مشمول معافی، در قلمرو حکومت، نوعی خودمختاری به دست می‌آورد. (مینورسکی، سازمان اداری...، ۱۳۷۸، ۴۴) نهاد سیورغال کامل ترین شکل واگذاری زمین از طرف شاه به زمینداران تابع خود بود. بنابر این رسم، امیران به جای دریافت حقوق از پادشاه، از سود حاصل از زمین های معینی که به صورت موروثی در اختیارشان قرار می‌گرفت بهره می‌بردند. و سیورگالداری نیز موظف بود خدمات لشکری برای سلطان انجام دهد و عده معینی سوار از افراد سیورغال که تابع و مربوط به وی بودند، گسیل دارد. این رسم یکی از رایجترین رسوم پرداخت حقوق به عمال دیوانی در قرن ۹ ق. بود. (پیکولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴، ۴۴۷) سیورغال در واقع نوعی مستمری بود و شخص ذینفعی که حواله در دست داشت، مطالبات دولت را از بهره اراضی که در حواله قید شده بود، وصول می‌کرد و ملک مزبور همچون ملک موروثی وی می‌گردید (مینورسکی، سازمان اداری...، ۱۳۷۸، ۱۶۲).

۵- آق قویونلوها به بایندری نیز شهرت دارند. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۵۸)

۶- قزوینی در این باره آورده: اوزون حسن پادشاهی دانا و قاهر بود و حکم بر نهج راستی و عدالت می‌کرد... و تا غایت عمل او را در استیفای مال و حقوق دیوانی قانون است. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۵۸)

۷- شحنة (مترادف کلمه ترکی - مغولی باسقاق) یا داروغه به مأموری اطلاق می‌شده که از طرف حکومت مرکزی یا خان به نمایندگی آن حکومت در شهر یا منطقه ای منصوب می‌گردید. این مالیات به نفع او گرفته می‌شد. (پطروشفسکی، کشاورزی...، ۱۳۵۷، ۷۵۳)

۸- برابر سازی این سکه ها براساس زیر است: ۳ قراجه (قرا) آقچه برابر ۱ آقچه عثمانی و ۶ آقچه عثمانی برابر با ۱ شاهرخی بود.

۹- نوعی سکه رایج در دوره عثمانی.

۱۰- آسپر در لغت یونانی به معنای سفید است و در قلمرو امپراتوران ارمنی طرابوزان، کوچکترین سکه رایج بوده است که می‌توان آن را «شاهی سفید یونانی» خواند. (طاهری، ۱۳۴۹، ۸۶-۸۵) حدوداً هر ۵۰ آسپر یک دوکات ارزش داشت.

۱۱- دوکات، دوک یا دوچه واحد پول ونیز و فلورانس بود.

۱۲- تمغا، اصطلاحی ترکی به معنای "داغ گله" است که بعدها به معنای مهر و نشان نیز به کار رفته، و از اواخر سده ۷ ق. در ایران به مالیات های ویژه اطلاق می‌شد. (فراگتر، ۱۳۸۷، ۲۵۵) این مالیات در عصر ایلخانان، بر انواع و اقسام تجارت و صنایع شهری و حتی فاحشگی تعلق می‌گرفت و با نرخ ۲/۵ درصد به جای زکات اسلامی نشست بود.

(پطروشفسکی و دیگران، نظام اجتماعی و...، ۱۳۹۴، ۶۸) این اصطلاح در هر دوره ای عمدتاً نشان دهنده مالیات هایی بود که بر بازرگانان و پیشه‌وران بسته می‌شد. بدین معنی که وقتی تجارتی انجام شده یا اجناسی ساخته می‌شد، در زمان فروش، تمغایی تعیین؛ و به صورت نقدی، و بعدها جنسی دریافت می‌شد. (بوسه، ۱۳۶۷، ۱۷۵-۱۷۴)

۱۳- پول نقره ای کوچکی که معادل ۱/۱۵۴ گرم نقره بود.

۱۴- رسم چیفت که به صورت چفت و جفت نیز آمده است، مالیات ارضی بود قابل پرداخت به پول نقد و در زمان اوزون حسن منطقه به منطقه فرق می‌کرد. (فراگنر، ۱۳۸۷، ۲۵۳)

۱۵- بناک همان مالیات سرانه است

۱۶- خنجی از او به عنوان فردی با دانش و بینش بسیار یاد کرده است. (خنجی، ۱۳۸۲، ۳۳۵)

۱۷- بخته باشی یا تخته باشی، نوعی قرعه بود که به نام بزرگان هر منطقه در هنگام ورود دولت به آنجا می‌زنند، بدین ترتیب که قطعه تخته‌هایی در کیسه می‌ریختند و به نام هر کس از بزرگان که بیرون می‌آمده، او مامور پذیرایی از آنان بوده است، و این رسم را "تخته باشی" می‌گفتند.

۱۸- گوده، گوده و کورجه به معنی کوتاه قد و یا کسی که دست و پایش کوتاه است. گوده احمد همچنین به علت کوتاه بودن به کلم روم نیز شهرت داشت. (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۵۶؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۹۵؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۳۴)

۱۹- شیخ نقطه چی اوغلی از ترک‌های عثمانی بود که همراه احمد پادشاه به ایران آمد؛ احمد پادشاه شدیداً تحت نفوذ کلامی، معنوی و سیاسی شیخ بود. (قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۷۲؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ۹۵؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۷۳۲)

کتابنامه:

- ۱- اینالجق، خلیل (۱۳۸۸). امپراتوری عثمانی (عصر متقدم ۱۶۰۰-۱۳۰۰)، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: بصیرت.
- ۲- آنجوللو، جووان ماریا (۱۳۸۱). سفرنامه های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- ۳- بوسه، هریرت (۱۳۶۷). پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوران آق قویونلو و قراقویونلو و صفوی، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۴- پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ (۱۳۵۹). ایران در سده های میانه، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: دنیا.
- ۵- ----- (۱۳۵۷). کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نیل.
- ۶- پطروشفسکی، کارل یان، اسمیت و لمبتن (۱۳۹۴). نظام اجتماعی و اقتصادی ایلیخانان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- ۷- پیگولوسکایا، ن. و (۱۳۵۴). تاریخ ایران (از دوران باستان تا پایان سده ۱۸ م.)، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- ۸- حسن زاده، اسماعیل (۱۳۹۲). حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو در ایران، تهران: سمت.
- ۹- حسین زاده، هدی (۱۳۹۴). تاریخ فراموش شده، تهران: نشر تاریخ ایران.

- ۱۰- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن (۱۳۶۷). *فارسنامه ناصری*، ج ۱، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۱- خنجی اصفهانی، فضل الله روزبهان (۱۳۸۲). *تاریخ عالم آرای امینی*، به کوشش محمد اکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.
- ۱۲- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین (۱۳۵۳). *تاریخ حبیب السیر*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، ج ۴، تهران: کتابفروشی خیام.
- ۱۳- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴). *احسن التواریخ*، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
- ۱۴- رویمر، هانس روبرت (۱۳۸۰). *ایران در راه عصر جدید*، ترجمه آذر آهنچی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵- زنو، کاترینو (۱۳۸۱). *سفرنامه های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- ۱۶- سلیمان، احمدسعید (۱۳۹۵). *دولت ها و سلسله های حاکم بر قلمرو اسلام*، ترجمه، تالیف و تکمیل صادق سجادی، تهران: کتاب رایزن.
- ۱۷- طاهری، ابوقاسم (۱۳۴۹). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران*، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- ۱۸- طهرانی، ابوبکر (۱۳۵۶). *کتاب دیار بکره*، به تصحیح و کوشش نجاتی، لوغال و فاروق سومر، تهران: کتابخانه طهروری.

- ۱۹- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳). تاریخ جهان آرا، تهران: عصر.
- ۲۰- فراگنر، برت (۱۳۷۸). تاریخ ایران دوره تیموریان، پژوهش از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- ۲۱- قزوینی، یحیی بن عبد اللطیف (۱۳۶۳). لبّ التواریخ، به سفارش ضیاءالدین (محیط) بن محمد کاظم شوشتری، تهران: بنیاد گویا.
- ۲۲- کنتارینی، آمبروزیو (۱۳۸۱). سفرنامه های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- ۲۳- گمنام، (۱۳۸۱). سفرنامه های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- ۲۴- لمبتن، آن کاترین سواين فورد (۱۳۷۷). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی فرهنگی.
- ۲۵- ----- (۱۳۸۲). تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی.
- ۲۶- منشی قزوینی، بوداق بیگ (۱۳۷۸). جواهرالخبار (بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ ق)، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام نژاد، تهران: میراث مکتوب.
- ۲۷- میرجعفری، حسین (۱۳۹۳). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران: دانشگاه اصفهان و سمت.

- ۲۸- مینورسکی، ولادمیر (۱۳۷۸). سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر.
- ۲۹- واله اصفهانی قزوینی، محمد یوسف (۱۳۷۹). خلد برین، (تاریخ تیموریان و ترکمانان) روضه ۶ و ۷، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.
- ۳۰- هینتس، والتر (۱۳۸۰). نظام مالیاتی آناتولی شرقی در قرون ۱۵ و ۱۶، ترجمه نصرت الله آصف پور، یاد پاینده (مجموعه ۴۶ گفتار پژوهشی)، به کوشش رضا رضازاده لنگرودی، تهران: سالی.

مقالات

- ۱- پایدش، کاظم (۱۳۹۴). «تجارت در دوره آق قویونلو»، ترجمه احمد برجلو و مهدی سنگ سفیدی، فصلنامه تاریخ نو، شماره ۱۲.
- ۲- حقی اوزون چارشلی، اسماعیل (۱۳۷۲). «نگاهی به تشکیلات دولت های قراقویونلو و آق قویونلو»، ترجمه وهاب ولی، تحقیقات تاریخی، شماره ۸.
- ۳- دین پرست، حسن زاده؛ ولی، اسماعیل (۱۳۹۲). «اصلاحات یا قانون نامه های اوزون حسن در استقرار نظم ایرانی»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال ۴، شماره ۷.
- ۴- رضازاده لنگرودی، رضا (۱۳۷۴). «سیاست اقتصادی احمد آق قویونلو»، تحقیقات اسلامی (یادنامه دکتر عباس زریاب)، سال ۱۰، شماره ۱ و ۲.
- ۵- مدرسی طباطبائی، حسین (۱۳۵۵). «هفت فرمان های از پادشاهان ترکمان»، بررسی های تاریخی، شماره ۶۳.

Economical evolutions of AqQoyunlu era(857-908 Iunar)

Taherkhani Reza

Islamic nations history and civilization phd , student . Tehran

Markazi Islamic Azad university. Reza.Dr.taherkhani@gmail.com

. Sepehri Mohammed

. Historical documentary of Islamic Azad university. Tehran

Markaz. Academy (corres pondence): sepehran55@gmail.com..

Abstract

Economical evolution is too important in the era of AqQoyunlu despite of the importance of the cultural and political evolutions of Iran in second half of century 9. Economical policies had been based on landed property and breeding system ozoun Hasan, the founder of this dynasty, has been provided a legislation which was great. Most parts of the legislation was about the rate and kinds of Taxes which farmers and paul terers must obey and pay it to the government. He made equalities all aroundd the country about land taxes. He wrote a legislation about determining of people complaint , punishment , and fine. Then sent it to all around the country for obeying. He wanted them to obey, revise, and reform it dueto decreasing of the taxes pressure on people. Some of the other kings decided to follow him and made equalities among their government to prevent of taxes increasing and removing non slamic taxes and its anarchy. Especially king Yaaghoub tried his best about suyurgical, But Roustam Beig destroyed it and increased suyurgical trans fering and allotting.

He increased them as much as he could, Nobody did it before. King

Ahmed did reformation about illegal taxes and decreased the effect of people who owend lots of lands by following of ottoman Empire.

Therefore the most important question of the present research is that: what are economical evolutions of AqQoyunlu era? It seems that the present

study been determined about AqQoyunlu's economical evolutions and reformations.

It is used of explanatory – analytical Method beased on library references in this researeh.

Keywords: AqQoyunlu, economical evolutions, ozoun Hasan, king Yaaghoub, Roustam Beig , king Ahmed.